فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هشتم ، پاییز ۱۳۹۳- صفحه ۱۲۳ - ۱۴۶

بررسی مبادلات وجوه بانک مرکزی در بازار بین بانکی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳۰

کامران ندری*
میثم خسروی**

چکیده

در نظام بانکداری با ذخایر جزئی، بانک‌ها گاهی در پرداخت ذخایر قانونی بانک مرکزی دچار کسری می‌شوند. برخی از بانکها ذخایر احتیاطی نگه داری می کنند که در انتهای دوره پرداخت ذخایر، مازاد دارند. در این شرایط این عرضه و تقاضا زمینه ساز بازاری برای ذخایر بانک مرکزی می شود. از بانکهای مرکزی مدرن به دلیل اهمیت نرخ بهره‌ی این بازار، این نرخ را به عنوان نرخ بهره هدف عملیاتی خود انتخاب می‌کنند. نکته این‌جاست که قراردادی که در مبادلات ذخایر بازار بین بانکی صورت می‌گیرد قرارداد قرض است که در شریعت اسلامی بدان زیادتی تعلق نمی‌گیرد. متفکران بانکداری اسلامی سعی کرده‌اند قرارداد های جایگزینی برای مبادله در بازار بین بانکی معرفی نمایند. این مقاله چارچوب های مربوطه را به تفکیک روابط مبادلات بین بانکهای تجاری و مبادلات بین بانک مرکزی و بانک های تجاری معرفی و در نهایت مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: *بازار بین بانکی، بانکداری اسلامی، وجوه بانک مرکزی، ذخایر قانونی*

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) nadri@isu.ac.ir
** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران(نویسنده مسئول) me.khosravi@ut.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

تقسیم کار و مبادله برای تخصصی شدنِ بیشتر (Smith 1981: 14)، هر کنش اجتماعی و اقتصادی را محفوف به حقوق بین فردی می‌کند. اگر اقتصاد، رابینسون کروزه‌ای بوده، تقسیم کار و تشریک مساعی وجود نداشته باشد، فعالیت‌های اقتصادی بُعد حقوق میان فردی ندارند؛ چرا که مبادله‌ای صورت نمی‌گیرد. اما با پیشرفت اجتماع و گسترش مبادلات و افزایش تخصصی شدن، فعالیت‌های اقتصادی بسیار جزئی هم از جنبه‌های مختلف با حقوق بسیاری از افراد درگیر می‌شود که در شکل ۱: مسائل حقوقی مربوط به مسیر تولید تا مصرف کالاها، قابل مشاهده است.

مسائل حقوقی دسته اول ناظر به روابط میان نهاده‌های تولید و سهم بری آنها از تولید است. مسائل حقوقی دسته‌ی دوم پس از تولید و با تجارت کالای تولید شده اتفاق می‌افتد و متقاضیان، مصرف کنندگان نهایی نیستند. مسائل حقوقی دسته‌ی سوم ناظر به بازار مصرف کنندگان نهایی و در نهایت مسائل دسته چهارم نیز مربوط به حوزه‌ی مصرف می‌باشد. اهمیت این مسائل حقوقی از اهمیت مبادله در قوام نظام اجتماعی ناشی می‌شود. اساس اجتماع مدنی که بین افراد نوع انسانی تشکیل می‌شود، بر مبادله و داد و ستد است و قوام نظام مبادله که موجب تعاون بین افراد در تقدیر معیشتشان می‌گردد (طباطبایی، علامه سید محمدحسین ۱۳۷۴: ۵۴۳) بر ایفای حقوق طرفین با گستردگی یاد شده در شکل ۱: مسائل حقوقی مربوط به مسیر تولید تا مصرف کالاها است. به همین خاطر در فقه اسلامی اگر از مشروعیت قیمت کشف شده در بازار شکل ۱: مسائل حقوقی مربوط به مسیر تولید تا مصرف کالاها سوال کنیم، پاسخ بدین صورت خواهد بود که اگر حقوق افراد در طی فرآیندهای تولید تا مصرف مورد اجحاف قرار نگرفته باشد منافع مبادله مشروع است[۱]. به طور کلی در اقتصاد اسلامی، مشروعیتِ عایدیِ[۲] حاصل از هر نوع فعالیت اقتصادی، منوط است به فرآیندهایی که فعالیت اقتصادی، در بستر آن شکل گرفته است. در واقع، اگر فرآیندها، مشروع باشند، خروجی فرآیندها نیز -که همان منافع طرفین درگیر معامله است- مشروع است. این فرآیندها به دو نوع پسینی و پیشینی تقسیم می‌شوند. فرآیندهای پیشینی به قبل از مبادله، مربوط می‌گردند و شامل

۱. البته در اینجا فرض این است که توزیع قبل از تولید عادلانه است.

۲. برابر است با بازدهی به علاوه سود سرمایه (Capital Gain + Dividend)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

فرآیندهایی است که موضوع معامله، در آن فرآیند اقتصادی تولید شده و به بـازار رسـیده است. به عنوان مثال اگر دو میوه فروش در یک بازار سنتی و کاملاً رقابتی با قیمـت برابـر یک کیلو سیب را بفروشند و هر کدام ۲۰۰۰ تومان از این فعالیت اقتصادی سود ببرنـد بـا این تفاوت که فروشنده‌ی اول، مالک محصـولات عرضـه شـده نباشـد و سـیب‌هـا غصـبی باشند، ولی نفر دوم سیب‌های بـاغ خـویش را بـرای فـروش آورده باشـد، بـه دلیـل عـدم مشروعیت فرآیند پیشینی، عایدی حاصل از این معامله بـرای فروشـنده‌ی اول مشـروعیت ندارد ولی منافع حاصل از معامله‌ی میوه، برای فروشنده‌ی دوم مشروع می‌باشـد. فرآینـد پسینی به فرآیندهایی اطلاق می‌گردد که کـالای مـورد مبادلـه اسـتفاده مـی‌شـود؛ مـثلاً فروختن انگور به کسی که اطمینان داریم از آن شـراب مـی سـازد، حـرام اسـت (عـاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی ۱۴۱۲ ه‍ ق: ۲۷۱)[۱].

شکل ۱: مسائل حقوقی مربوط به مسیر تولید تا مصرف کالاها

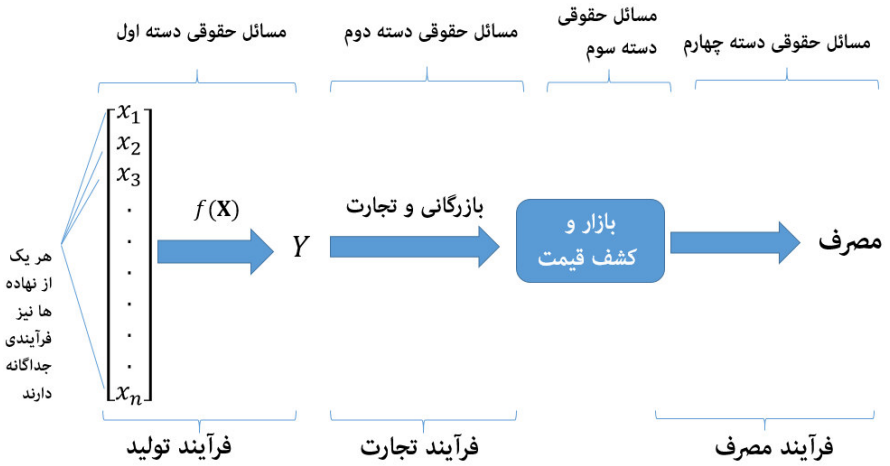

با این توضیحات مشروعیت منافع اقتصادی منوط به مشروعیت فرآیندهای فقهی–حقـوقی مربوطه خواهد بود. فرآیندهای مشروع، چارچوب‌هـای فقهـی پذیرفتـه شـده در شـریعت هستند که حقوق طرفین مبادله را تضمین می‌کنند. در بازار پول، چارچوب قـرض بـرای مبادلات بین بانکی در نظر گرفته می‌شود که شریعت متعالیه‌ی اسلام، اشتراط زیاده را در

۱. البته این مساله باز می گردد به یک مبنای اصولی که آیا حرمت دلالت بر فساد معامله می کند یا نه برخی نظیر شهید صدر(حلقةالاولی) موافق نیستند که معامله هم فاسد می باشد ولی برخی فقها قائل به دلالت حرمت بر فساد می باشند که مورد اخیر شاهد مثال ماست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

چارچوب قرارداد قرض جائز ندانسته و آن را از مصادیق ظلم می‌شمارد. لـذا بـرای تبیـین شرعی از نرخی که در بازار بین بانکی شکل می‌گیرد باید چارچوب‌هایی غیر از قرض برای آن تعریـف نمـود و مبـادلات بـازار بـین بـانکی را در آن چـارچوب‌هـا انجـام داد. ایـن چارچوب‌های فقهی را معرفی خواهیم نمود.

موسویان و الهی(۱۳۸۹) به بررسی امکـان سـنجی فقهـی بـازار بـین بـانکی در بانکـداری اسلامی پرداخته اند. ابتدا ضروت وجود بازار بـین بـانکی را بـرای مـدیریت نقـدینگی در نظـام بانکداری، تبیین کرده و پس از آن به معرفی ابزار های رایج برای مدیریت نقدینگی در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی پرداخته است. در نهایت هم ابزارهایی را برای مدیریت نقـدینگی در بازار بین بانکی برای بانکداری اسلامی بـر اسـاس فقـه امامیـه معرفـی کـرده اسـت. شـیرازی و اکبری(۱۳۸۹) نیز با تبیین اهمیت و ضرورت مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی و متعـارف ابزار مرابحه کالایی را برای این هدف در بانکداری اسلامی معرفی مـی کننـد. حاجیـان (۱۳۸۵) در کتاب بازار بین بانکی ریالی در چهار فصل به معرفی بازار بین بانکی، تجربه کشورهای دیگـر، بـازار بـین بـانکی ریـالی در ایـران و ارائـه الگـویی بـرای بـازار بـین بـانکی در ایـران پرداختـه است.سلیمانی(۱۳۸۶) ابتدا به بررسی چالش هـای مـدیریت نقـدینگی در بانـک هـای اسـلامی پرداخته سپس به زیر بناهای نهادی مدیریت نقدینگی از جمله بازار پول بـین بـانکی، صـندوق بازار پول غیر ربوی و بازارهای مالی بین المللی اسلامی می پردازد و سر انجام به تجربه برخی از کشورها در این باره اشاره می کند.

آنچه این تحقیق را از تحقیقات فوق متمایز می کند، ارزیابی چارچوب های ناظر بـه بـازار بین بانکی به طور جامع می باشد.

۱. معرفی اجمالی بازار بین بانکی

در بخش قابل توجهی از سپرده‌های بانک‌ها امکان برداشت توسط صـاحب حسـاب وجـود دارد و بانکهای تجاری در قبال برداشت از چنین حساب‌هایی باید نقدینگی داشته باشـند. ولی تجربه بانکداری نشان داده اسـت کـه نیـازی نیسـت کـه ۱۰۰ ٪ سـپرده هـای قابـل برداشت به صورت نقد نگه داشته شود؛ چرا که احتمال برداشت همه‌ی سپرده‌ها از سـوی همه‌ی صاحبان حساب، بسیار نزدیک به صفر است، مگـر در شـرایط بحرانـی کـه هـراس

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

بانکی[1] ایجاد شود. لذا برای مدیریت ریسک نقدینگی نگه داری درصدی از این سپرده ها کافیست. به این نظام بانکداری، نظام بانکداری با ذخایر جزئی گفته می‌شود. در نظام بانکداری با ذخایر جزئی بانک‌های تجاری موظف هستند درصدی از میزان سپرده‌های قابل برداشت خود را تحت عنوان ذخایر قانونی در حسابی نزد بانک مرکزی نگه دارند. بدین ترتیب هر بانکی نزد بانک مرکزی حسابی تحت عنوان حساب ذخایر، دارد که این میزان ذخایر باید برابر با حجم سپرده‌های قابل برداشت در نسبت ذخایر قانونی[2] باشد. در این نظام بانکداری، امکان اینکه برخی از بانک‌ها مازاد ذخایر و بعضی دیگر کسری ذخایر داشته باشند وجود دارد. بانک‌هایی که مازاد ذخیره‌ی قانونی دارند، می‌توانند با تشکیل یک بازار، آن را به بانک‌هایی که با کسری ذخایر مواجه شده‌اند، وام دهند. این وام های بین بانکی را وجوه بانک مرکزی می گویند که معمولا یک شبه[3] هستند (Choudhry 2005: 28)

دهه ۱۹۲۰، در زمانی که بانکهای با مازاد ذخیره، آنها را به بانک‌هایی که کسری داشتند قرض دادند، این بازار ایجاد شد (Mishkin and Eakins 1998: 223). روبینسون (۱۹۸۰) دو تعریف برای وجوه بانک مرکزی یا فدرال عنوان می کند: در تعریف مضیق، وجوه فدرال وام‌هایی است که از حساب سپرده ذخایر احتیاطی بانک‌ها به یکدیگر به صورت یک شبه، وام داده می شود.

اما در تعریف گسترده‌تر این وجوه، همه‌ی وام‌هایی است که بانک‌ها با مواجهه‌ی تغییرات دفعی در ذخایر خود مبادله می‌کنند؛ یعنی در تعریف گسترده، لزوماً محل این وام‌ها، حساب ذخیره‌ی احتیاطی بانک قرض دهنده نیست (Robinson and Wrightsman1980 : 231). چون‌که ممکن است بانکی وجوه بسیاری را در شعب مختلف خود به‌صورت نقد نگه دارد و در مواقعی که مازاد دارد آن‌ها را در بازار وجوه در اختیار سایر بانک‌ها قرار دهد(Rose,2000: 334). در هر دو تعریف، خریداران وجوه فدرال برای جلوگیری از تنبیهات قانونی بانک مرکزی، در بازار وجوه فدرال وارد (Robinson and Wrightsman 1980: 231). لذا بانک‌های تجاری مهم‌ترین قرض گیرندگان وجوه فدرال هستند تا ذخایرشان نزد بانک مرکزی به میزان لازم برسد(Rose2000 : 433).

1. Bank Panic
2. Required Reserve Ratio
3.Over Night

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۲. چارچوب های جایگزینِ قرض ربوی در ادبیات بانکداری اسلامی

متفکرین بانکداری اسلامی سعی کرده‌اند بدون تمسک به قرارداد قرض و بر اساس قراردادهای حقوقی پذیرفته شده در چارچوب فقه اسلامی بستر حقوقی مناسب برای معاملات بازار بین بانکی فراهم آورده و بانک‌های اسلامی را از مزایای این بازار بهره‌مند نمایند. در بخشی از ادبیات مربوط به بازار بین بانکی اسلامی نظیر موسویان (۱۳۸۹) گاهی تمامی ابزارهای جایگزین برای بازار پول، به عنوان یکی از جایگزین‌های قرارداد قرض در بازار بین بانکی مطرح می‌شوند در حالیکه بازار پول، اعم از بازار بین بانکی است. در این پژوهش تنها قراردادهای جایگزینی مطرح می‌گردد که امکان استفاده از ذخایر سایر بانک‌ها و بانک مرکزی را برای بانک‌ها فراهم می‌آورد.

۲-۱. مبادلات بین بانک‌های تجاری

۲-۱-۱. قرض الحسنه متقابل

قرض در لغت به معنای قطع می‌باشد (راغب أصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۱ ه.ق: ۶۶۶). این معنای لغوی به عنوان ریشه در مقراض به معنای قیچی بهتر نمایان گشته است. همچنین قرض به معنای قطعه‌ای از مال است که انسان در عوض بازگرداندن بدل آن به دیگری می‌پردازد[۱]. در اصطلاح علم فقه نیز قرض به معنای عقدی است که متضمن تملیک مال به دیگری در ازای در ذمه قرار گرفتنِ ضمانت بازگرداندنِ مثل آن- در صورت مثلی بودن – و یا قیمت آن- درصورت قیمی بودن- می‌باشد (ایروانی، باقر ۱۴۲۷ ه.ق: ۲۲۸). صحت عقد قرض، منوط به شرایط زیر است:

۱- قبض: قرض گیرنده باید مال را قبض کند و الا مالک آن نمی‌گردد. قبض تنها به معنای در دست گرفتن مال نیست، بلکه مراد تحویل گرفتن مال از سوی قرض گیرنده می‌باشد.

۲- مال مورد قرض، عین باشد نه دین و یا منفعت.

۱. سمّی ما یدفع إلی الإنسان من المال بشرط ردّ بدله(راغب)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

یکی از احکام عقد قرض که در این بخش محل بحث خواهد بود این است که ربا در قرض حرام است. ربا در قرض به معنای اشتراط زیاده حکمی[۱] یا عینی در بازپرداخت مال است. لذا اگر چنین اشتراطی در معامله صورت گیرد، معامله حرام و بنا بر نظر صاحب جواهر، کل معامله (نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن ۱۴۰۴ ه‍ق: ۳۳۴) و بنا بر نظر برخی دیگر از فقها، تنها زیاده‌ی آن باطل است.

در شریعت اسلامی، قرض الحسن یا همان قرض بدون زیادت مشروط، بسیار مورد ستایش قرار گرفته و حتی برتر از صدقه معرفی شده است. لذا یکی از اهداف نظام مالی اسلام گسترش این سنت نیکو می‌باشد. از این رو، یکی از عقودی که در بانکداری اسلامی به عنوان جایگزین قرض ربوی معرفی شد، قرض الحسنه بوده است. بازار بین بانکی نیز از این قاعده مستثنا نیست. این قرارداد انتفاعی نیست و به دلیل صفر بودن قیمت، تقاضا در این بازار قطعاً با جیره بندی[۲] مواجه خواهد شد. برای تحریک عرضه، بانک‌ها به تعهد جبران خدمت عرضه کننده متعهد می‌گردند. بدین اوصاف یکی از روش‌هایی که برخی از محققین برای تامین نقدینگی کوتاه مدت در بازار بین بانکی پیشنهاد می‌کنند قرض الحسنه متقابل است. در این روش بانک های اسلامی بر اساس رتبه‌ی اعتباری، به همدیگر قرض الحسنه می‌دهند. بانک‌ها طبق معاهده‌ای، توافق می‌کنند مشکلات نقدینگی بسیار کوتاه مدت- نهایتا سه روزه- یکدیگر را حل کنند (موسویان and الهی ۱۳۸۹: ۱۰۲). قید متقابل در این قرارداد به تعهد طرفین مبنی بر تامین نقدینگی یکدیگر اشاره دارد.

این روش به لحاظ کارایی برای بکارگیری در بازار بین بانکی و همچنین فقهی دارای اشکالاتی به نحو ذیل می باشد:

اشکال کارایی این روش این است که در قرار داد قرض الحسنه به دلیل اینکه در بازار هیچ عایدی نصیب عرضه کننده نمی‌شود و همچنین استقراض از سوی متقاضی، هزینه بر نیست این شیوه، بازار را با عدم استقبال و عدم کارایی مواجه خواهد کرد. به تعبیری دیگر قرض الحسنه متوقف است بر خیرخواهی طرفین، وقتی دو موسسه مالی خیر خواه یکدیگر باشند قرض الحسن چارچوب مناسبی برای تامین نقدینگی آنها می باشد. به عنوان مثال بانک‌های دولتی با فرض عدم اتحاد مالکیت از این چارچوب استفاده

۱ . زیاده حکمی مثل اینکه در بازپرداخت علاوه بر اصل مال، شرط کند که سفارش او را به مدیرش بنماید.
۲ . یعنی همه‌ی تقاضا اقناع نمی‌شود و بخشی از آن بدون نقدینگی باز می‌ماند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

خواهند کرد. اما وقتی نظام بانکی رقابتی باشد پیشنهاد قرض الحسنه به عنوان یک قرارداد محوری و پرکاربرد به عنوان جایگزین قرض ربوی معقول نخواهد بود. باید انگیزه‌ها را در بازارها شناخت و آن‌گاه چارچوب پیشنهاد کرد. به هر حال اگر یک قرارداد غیرانتفاعی را به عنوان جایگزین مبادلات در شرایطی که عوامل می‌خواهند سودشان را حداکثر کنند، منتظر عدم استقبال می‌باشیم[۱]. چرا که بانکها می توانند از جایگزین های دیگری نظیر مشارکت استفاده کنند. این عقد تنها زمانی‌که اعطای قرض، مشروط به ملزم شدن طرف مقابل بر رفع نیازهای نقدینگی باشد به عنوان یکی از راهکارها می تواند مطرح شود که البته علاوه بر اشکال عدم کارایی در جهت بی‌هزینه شدن استقراض و خدشه به ثبات مالی، اشکال فقهی آن باقی خواهد ماند که در ادامه می‌آید.

اما اشکال فقهی؛ اشتراط طرفین مبنی بر تعهد به جبران مشکل نقدینگی که در تفاهم‌نامه به صورت صریح یا ضمنی صورت گرفته است، زیاده‌ی حکمی محسوب شده و عقد قرض را ربوی می‌سازد (موسویان and امیرعلی ۱۳۹۱: ۱۳۷). حال ممکن است گفته شود که شرط قرض متقابل احتمالی است نه قطعی، ممکن است بانک مقابل نیازی پیدا نکند. اما در واقعیت احتمال اینکه بانکی به منابع نقدینگی دیگری نیاز نداشته باشد صفر است، تنها ممکن است زمان آن به تأخیر بیفتد. چرا که در شرایط رقابتی و فضای غیر خیرخواهانه و ایده‌آل، توافق تنها بین بانک‌هایی صورت خواهد گرفت که در رتبه های اعتباری و ریسک نقدینگی نزدیک به یکدیگر هستند و بانکی که رتبه‌ی اعتباری و ریسک نقدینگی او کمتر است، هیچ‌گاه حاضر به توافق با بانکی که به لحاظ ریسک نقدینگی در شرایط بحرانی است، نخواهد شد. بدین وصف با دقت در واقعیت های نظام بانکی در خواهیم یافت که جبران وام برای تامین نقدینگی از سوی بانک قرض گیرنده قطعی است تنها زمان بازپرداخت معلوم نیست. به طور کلی می توان گفت یکی از بدترین، جایگزین‌ها مطرح شده در ادبیات بانکداری اسلامی در بازار بین بانکی این پیشنهاد است، چرا که برای دوری از ربا به ربا متوسل شده است[۲].

---

۱. موید این انتظار، تجربه بانکداری اسلامی در بازار تسهیلات است.

۲ . قرض الحسن قطعاً قرارداد مبارکی برای توسعه روابط اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی در جامعه است؛ ولی بکارگیری این قرارداد در جایی که برای آن تاسیس نشده به نوعی ظلم به شریعت و این قرارداد می باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۲-۱-۲. خرید دین

دین در لغت به معنای بدهی است که در معامله‌ای بوجود می‌آید (طریحی، فخر الدین ۱۴۱۶: ۲۵۱). کتاب العین، هر چیزی که حاضر نیست را دین نامیده است[۱] (فراهیدی، خلیل بن احمد ۱۴۱۰ه.ق: ۷۲). در اصطلاحِ فقهای شیعه نیز هر چیزی که در ذمه‌ی فرد باشد دین گفته می‌شود. فقها دین را به دو نوع تقسیم می‌کنند: دین حال که اکنون موعد سررسیدش فرا رسیده است و دین مؤجل که سررسید آن در آینده خواهد آمد. فقهای شیعه پذیرفته‌اند که دین مؤجل را می‌توان مورد معامله قرار داد. یعنی اگر شخصی معامله‌ای انجام داده است و به ازای آن دینی طلب دارد می‌تواند بجای اینکه منتظر سررسیدش بماند، سند دین را به قیمتی کمتر، قبل از سررسید بفروشد و به نقدینگی دست یابد. براین اساس، بسیاری از فقها عملیات تنزیل را جایز دانسته‌اند (صدر، محمدباقر ۱۳۸۸: ۱۵۱). به همین خاطر از جمله ابزارهایی که در بانکداری اسلامی برای تامین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، خرید دین است که به سبب آن بانک، سفته برات یا هر سند مالی مدت‌داری را که ناشی از معامله‌ی واقعی باشد را می‌خرد. قیمت خرید این اوراق کمتر از ارزش اسمی آن در سررسید می‌باشد. بانک‌ها می‌توانند بخشی از اسناد تنزیلی خود را برای خرید و فروش به بازار بین بانکی عرضه کند و در مواقعی که به نقدینگی نیاز دارد به فروش اسناد و در صورت مازاد، به خرید آنها بپردازد (موسویان and الهی ۱۳۸۹: ۱۱۱). بحث اصلی اینجاست که در بازار وام‌های یک شبه که محل بحث این پژوهش است، بیع دین می‌تواند جایگزین مناسبی برای قرض باشد یا خیر؟ در صورتی‌که ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی کاهش یابد و بانک برای جبران آن بخواهد از بازار بین بانکی استفاده کند، بیع دین می‌تواند رابطه‌ی بین بانک‌ها را به نحو شرعی توصیف کند یا خیر؟ فرض کنیم بانک تجاری اول به خاطر برداشت سپرده‌ها با کسری نقدینگی مواجه شده است. آیا می تواند برای دست یابی به نقدینگی با بیع دین و تنزیل دیون، مشکلش را حل کند[۲]؟ بیع دین پیشنهاد می‌کند که اوراق بهادار، تسهیلات اعطایی به افراد و شرکت‌ها که دارایی‌های با سررسید آتیِ بانک اول محسوب می‌شود را جهت دست یابی به نقدینگی در بازار به سایر بانک‌های تجاری عرضه کند. به عنوان مثال ۱ میلیارد از تسهیلات اعطایی بانک اول که

---

۱. کل شیءٍ ل یکن حاضراً فهو دین

۲. دقت شود که دیون در اینجا همان دارایی‌های مؤجل هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

سررسید پرداختش طی چند روز آینده است را در ازای ۹۹۵ میلیون، به بانک دوم عرضه می‌کند. بانک دوم این ۹۹۵ میلیون را از ذخایر احتیاطی مازادش به حساب بانک اول منتقل می‌سازد و بانک اول با این نقدینگی پاسخگوی سپرده‌هایش خواهد بود. از همین چارچوب می‌توان برای تامین ذخایر قانونی و اعطای تسهیلات نیز استفاده کرد.

چند مسأله‌ی فقهی در اینجا وجود دارد:

به دلیل اینکه تسهیلات مؤجل هستند و سررسید آن در آینده است، این سؤال پیش خواهد آمد که آیا می‌توان یک بدهی مؤجل را تحت قرارداد بیع دین فروخت؟ در پاسخ به این مساله باید گفت که غالب فقهای شیعه قائل به جواز بیع دین مؤجل و حال هستند (ثابت ۱۳۸۱: ۱۷۰; علامه حلی, حسن بن یوسف ۱۳۷۴: ج۵ ۳۹۶) و از این حیث مشکلی وارد نیست. مسأله‌ی دیگر ناظر به مقدار بازپرداخت دین از سوی دائن است. صورت مساله این است که هنگام وصول دین یا همان أخذ بازپرداخت تسهیلات، بانک دوم باید چه میزان مطالبه نماید؟ بنابر مثال مذکور، ۹۹۵ میلیون یا یک میلیارد؟ عده‌ای از فقهای امامیه نظیر شهید صدر(ره) قائل هستند که در مجموع باید ۹۹۵ میلیون دریافت شود یعنی خریدار دین حق ندارد بیش از آنچه به دائن پرداخته، دریافت کند (صدر، محمدباقر ۱۳۸۸: ۱۵۲–۱۵۳)؛ اما قاطبه‌ی فقهای شیعه، مدیون را ملزم به پرداخت تمامی مقدار دین می‌دانند (حسینی عاملی, محمدجواد بن محمد and خالصی: ج۵ ۲۱-۲۲) (ثابت ۱۳۸۱: ۱۷۱). بر این وصف، اشکال خرید دین اختلاف فقهی موجود در پذیرش اصل و یا جزئیات این قرارداد است.

بدین ترتیب خرید دین زمانی‌که بانک با کسری نقدینگی برای پاسخگویی به برداشت سپرده‌ها مواجه می‌شود، بنابر نظر قاطبه‌ی فقها، می‌تواند به عنوان یکی از جایگزین‌های قرض استفاده شود. حال اگر سایر دارایی بانک‌ها، مثل اوراق مشارکت مؤجل، مورد بیع دین قرار گیرند محل تامین نقدینگی از بازار ذخایر به زیر شاخه‌های دیگر بازار پول منتقل شده است که به بازار ذخایر مرتبط نیست. بدین ترتیب یکی از جایگزین‌های قرض ربوی در بازار بین بانکی، خرید دین است که امکان معامله‌ی ذخایر را فراهم می‌آورد و با عرضه و تقاضای این قرار داد، نرخ وجوهی شکل می‌گیرد که در چارچوب شرع پذیرفته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳-۱-۲. تسهیلات مشارکتی

شرکت در فقه به دو معنا به کار می‌رود: در معنای اول شرکت دلالت بر مالکیت مشاع دارد؛ یعنی مالی که، دو یا چند مالک به نحو مشاع داشته باشد. در معنای دوم شرکت دلالت دارد بر توافقی بین دو نفر یا بیشتر برای تجارت با مالشان با اشتراک در سود و زیان. شرکت در معنای دوم ، عقد بوده و محل بحث نگارش حاضر است. سه نوع شرکت در شریعت حرام اعلام شده است: شرکت ابدان، شرکت وجوه و شرکت مفاوضه. شرکت ابدان توافقی است که بین دو یا چند نفر صورت می‌گیرد مبنی بر اینکه هر کس به طور مستقل کار کند ولی سود تجارت را با هم تقسیم کنند. شرکت وجوه عقدی است که چند نفر از کسانی که در بازار اعتبار داشته ولی سرمایه ندارند توافق می کنند تا با خرید کالاها به صورت نسیه و فروش آنها سود را بین یکدیگر تقسیم نمایند. شرکت مفاوضه هم به معنای شراکت در کلیه درآمدهای فرد اعم از کسب و کار و غیر آن نظیر ارث و ... می‌باشد. تنها نوع شرکت که حلال است شرکت در مال است که به معنای شراکت در سود و زیان کارهای اقتصادی حاصل از اموال شرکاست. از شرایط مال مورد شرکت این است که مال باید عین باشد نه دین یا منفعت. در ثانی مال باید قابلیت امتزاج داشته باشد. عقد شرکت، عقدی جایز است.

در شرکت اگر طرفین توافق کنند همه‌ی سود را یک طرف ببرد، صحیح نیست ولی می‌توانند توافق کنند تنها یکی از آنها ضرر را متحمل شود(خمینی، سید روح اللّه موسوی ۱۴۲۶ ه ق: ۴۴۳). در شرکت نحوه تقسیم سود بر اساس سرمایه‌ی اولیه است نه میزان کار کردن. اگر یک طرف دو برابر دیگری سرمایه داشته باشد سهم او از سود و ضرر دو برابر دیگری است.

بانکداری اسلامی عقد مشارکت را یکی از جایگزین‌های مهم و کارای قرض ربوی در بازار تسهیلات می‌داند (موسویان ۱۳۸۱: ۵۹). در حوزه‌ی بازار بین بانکی نیز گفته شده است که بانک‌ها می‌توانند قراردادهایی برای تامین مالی متقابل در چارچوب مشارکت در سود و زیان داشته باشند. بانک‌هایی که نیاز به نقدینگی دارند، از بانک های دیگر تسهیلات می‌گیرند اما این تسهیلات قرض با بهره نیست بلکه تسهیلات مشارکتی است که تنها تقسیم سود و زیان مشخص می‌گردد (دژدار، محمد مهدی ۱۳۹۰: ۱۴۰). فرض کنید بانک اول در اعطای تسهیلات مشارکتی دچار کمبود نقدینگی شده است. در این شرایط می‌تواند با دریافت بخشی از سرمایه از بانک‌های دارای مازاد ذخایر، آنها را در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

سود و زیان شریک گردانـده و تسـهیلات مشـارکتی اعطـا نمایـد. اشـکال ایـن چـارچوب جایگزین، این است که در مواجهه با هراس بانکی و تامین ذخایر قانونی نزد بانک مرکـزی کارا نیست به دلیل اینکه نقدینگی صرف فعالیت هـای تولیـدی نمـی‌گـردد و شـراکت در سود و زیان بی‌معناست.

۴-۱-۲. مشارکت متقابل

در مشارکت متقابل، یک قرارداد مشارکت بین بـانکی تنظـیم مـی‌شـود کـه تـامین مـالی متقابل را توسعه دهد؛ مشروط به اینکه خالص استفاده از این روش در یـک دوره‌ی مـورد بررسی، صفر باشد. یعنی اگر بانکی در یک روز، مبلغی تسهیلات دریافت کند، بانک دیگـر حق دارد از این بانک در روز دیگری در همان دوره مبلغی مشابه طلـب تسـهیلات کنـد و چنانچه بانک دوم به تسهیلات متقابل نیاز نداشت و منابع او همچنان در اختیار بانـک اول بود به تناسب مانده و مدت در فعالیت انتفاعی بانک اول شریک بوده و در سـود آن بانـک سهیم خواهد بود (دژدار، محمد مهدی ۱۳۹۰: ۱۴۰).

اشکال اساسی دو چارچوب جایگزین اخیـر ایـن اسـت کـه از لحـاظ مـدت زمـانی، متناسب با ویژگی‌های بازار ذخایر نیست. مبادلات بازار بین بانکی عمدتا یک شبه اسـت و فعالیت های اقتصادی که سود یک شبه داشته باشـند، بسـیار معـدود هسـتند. از ایـن رو مشارکت نمی‌تواند جایگزین مناسب و کارا برای بازار بین بانکی باشد.

۵-۱-۲. مرابحه‌ی موازی

مرابحه عقدی است که به موجب آن فروشنده قیمـت تمـام شـده‌ی کـالا را بـه اطـلاع خریـدار می‌رساند و پس از آن، با در نظر گرفتن یک میزان سود مشخص آن‌را به قیمت بالاتر می‌فروشد. مرابحه دو نوع است: نقد و نسیه که معمولاً نرخ سود نسیه بالاتر می‌باشد. عقـد مرابحـه از عقـود متأخری است که در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفتـه اسـت. مرابحـه مـوازی زمـانی اتفاق می افتد که خریدار طرف عقد مرابحه خودش نیز کالا را با مرابحه به دیگری بفروشد.

یکی از راهکارهای ساده برای مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی اسـتفاده از قـرارداد مرابحه‌ی موازی است. فرض کنید بانک ۱ برای اعطای تسـهیلات بـا کمبـود نقـدینگی مواجـه است و همزمان بانک ۲ مازاد نقدینگی دارد، در این فـرض بانـک اول سـراغ بانـک دوم مـی‌رود. بانک دوم کالای مورد نظر مشتری بانک اول را خریداری و با سود مشخصـی بـه صـورت کوتـاه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مدت به بانک اول می فروشد و بانک اول با سود دیگری آن کالا را به مشتری خود مـی‌فروشـد. در این روش که از دو قرارداد مرابحه‌ی مدت دار تشکیل می‌گردد موسوم بـه مرابحـه‌ی مـوازی است (دژدار، محمد مهدی ۱۳۹۰: ۱۴۲).

این روش از حیث فقهی بدون اشکال است ولی اشکالات ناظر به کارایی عقـد مرابحـه در بازار بین بانکی ذخایر این است که اولاً تنها برای تقاضای تسهیلات خرید کـالا بکـار مـی‌آیـد و این، یک محدودیت جدی برای این قرارداد محسوب می‌شود؛ چون اکثر قریب به اتفاق مبادلات بازار بین بانکی در بانکداری مدرن برای پرداخت ذخایر قانونی و برداشت مشتریان است که ایـن قرارداد هیچ کاربردی برای آنها ندارد، ثانیاً تقاضای مرابحه غالباً بـه صـورت نسـیه و بلنـد مـدت اتفاق می‌افتد در حالیکه بازار وجوه بسیار کوتاه مدت و یک شبه است.

جدول ۱: ارزیابی راهکار های پیشنهادی برای روابط بین بانکی بانکهای تجاری

ارزیابی / قرارداد	فقهی	کارایی در تامین نقدینگیِ		
		کسری ذخایر	اعطای تسهیلات	پرداخت سپرده‌ها
قرض الحسنه متقابل	ربوی	عدم استقبال از سوی عرضه وجوه	عدم استقبال از سوی عرضه وجوه	عدم استقبال از سوی عرضه وجوه
خرید دین	محل اختلاف	مناسب	مناسب	مناسب
تسهیلات مشارکتی	مناسب	بلا استفاده	برای قراددادهای یک شبه ناکارا	بلا استفاده
مشارکت متقابل	مناسب	بلا استفاده	برای قراددادهای یک شبه ناکارا	بلا استفاده
مرابحه موازی	مناسب	بلا استفاده	برای قراددادهای یک شبه ناکارا و محدود به تسهیلات خرید کالا	بلا استفاده

۲-۲. مبادلات بین بانک‌های تجاری و بانک مرکزی

در مدل‌های سنتی بازار بین بانکی یا ذخایر نقش بانک مرکزی عبارت بود از "عملیات بازار باز" که به طور غیرمستقیم ذخایر بانک ها را دچار تغییـر مـی‌کـرد و همچنـین اعطـای "تسـهیلات قاعده‌مند" از دریچه‌ی تنزیل. در مدل کریدور پرداخت بهره به ذخایر بانک‌ها نزد بانـک مرکـزی نیز به دو نقش دیگر بانک مرکزی افزوده شد. تبیین حقوقی که برای همگـی روابـط بـازار بـین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

بانکی اعم از مبادلات بانک مرکزی و مبادلات بین بانکی در اقتصاد متعارف ارائه می‌گردد، چارچوب قرض است که در همه‌ی مبادلات بازار ذخایر کاربرد داشته و کارا شمرده می‌شود. کلمه‌ی وام[1] که در متون اقتصادی برای مبادلات بانک مرکزی با بانک‌های تجاری استفاده می‌شود شاهدی بر این مدعاست. لذا در اقتصاد متعارف، نیازی به تفکیک مبادلات در تبیین حقوقی وجود ندارد. لیکن هنگامی که قرارداد قرض کنار نهاده شود و از سایر عقود برای مبادله استفاده شود تفکیک تبیین‌ها ضروری است. دقیقاً به مانند تفکیکی که در میان بازار تسهیلات و بازار مبادلات بین بانکی صورت می‌گیرد و اقتضاء کوتاه مدت بودن مبادلات این بازار، کارایی برخی عقود را محل سوال قرار می‌دهد، حضور بانک مرکزی در یک بخش مبادله، اقتضائاتی دارد که باید مد نظر قرار گیرد. در این بخش، چارچوب‌های فقهی که نقش‌های سه گانه‌ی بانک مرکزی را در بانکداری اسلامی امکان پذیر سازد، معرفی می‌شود.

در مورد مبادلات اعتباری بانک مرکزی و بانک‌های تجاری از دریچه‌ی تنزیل و اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، در ایران، پیش از تصویب قانون بانکداری بدون ربا از عقد قرض استفاده می‌شد اما طبق ماده ۲۱ فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۶۱، بانک مرکزی با هر یک از بانک ها و نیز بانک ها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نیستند(مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲; مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲: ۱۱) به همین علت، تنزیل مجدد و اعطای وام بانک‌های تجاری متوقف شد. اکنون بانک مرکزی با نرخ ۳۴ درصد، منابع خود را در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌دهد. توجیه بانک مرکزی برای این نرخ وجه التزام اضافه برداشت می‌باشد. در حالیکه وجه التزام را باید ضمانت اجرای درج جریمه یا شرط کیفری مالی که هریک از متعاملان یا هر دوی آنها در صورت نقض قرارداد به عهده می‌گیرند، تعریف کرد. در حقیقت، وجه التزام در وضعیتی مطرح می‌شود که یکی از طرفین قرارداد جرمی مرتکب شود و قرارداد را نقض کند، اما طبق دستورالعمل بانک مرکزی، عنوان شده که بانک‌ها "می‌توانند" فقط برای رفع مشکلات مقطعی و کوتاه مدت نقدینگی خود، مبادرت به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی کنند. یعنی در قرارداد پیش بینی شده که اگر بانکی در وضعیت بحرانی قرار گرفت، حق استفاده از منابع بانک مرکزی را دارد. بنابراین اگر بانکی در وضعیت بحرانی قرار گرفت و قصد استفاده از منابع بانک مرکزی را داشت، تعهدی را نقض نکرده است که بابت ان وجه التزام بپردازد (موسویان and امیرعلی ۱۳۹۱: ۱۳۲–۱۳۳). لذا به نظر می‌رسد

1. Loan

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

که توجیه جریمه اضافه برداشت و وجه التـزام پایـه‌ای محکـم بـرای تبیـین یکـی از مهمتـرین نرخ‌های اقتصادی نباشد.

درباره پرداخت سود به ذخایر قانونی نیز با توجه به اینکـه غـرض اصـلی از نگـه‌داری ایـن ذخایر تامین نقدینگی در برداشت سپرده‌هاست عملاً امکان سرمایه گذاری آنها وجـود نـدارد. از طرفی سپرده‌های قانونی و احتیـاطی طبـق قـانون عملیـات بـانکی نـزد بانـک مرکـزی ودیعـه می‌باشند (مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲: ۶) لذا بانک مرکزی به لحاظ فقهی و قانونی هم مجـاز به مبادله و مشارکت و به طور کلی تصرف در آنها نیست[1] (ایروانی، باقر ۱۴۲۷ ه.ق: ۲۶۹). بدین ترتیب تبیین شرعی برای نرخ سود کف سیستم کریدور، وجود ندارد و پرداخت سود بـه ذخـایر بانک‌های تجاری و قرار دادن کـف نـرخ بهـره در بـازار بـین بـانکی، پذیرفتـه نیسـت. برخـی از متفکرین بانکداری اسلامی به همین خاطر سیستم کریدور را در بازار تنزیل اوراق بهادار تعریـف کرده اند تا بتوان هم سقف و هم کف برای نـرخ ایـن بـازار مطـرح کـرد (نظرپـور and حقیقـی ۱۳۹۲: ۷۲). لذا چنین انتقالی از بازار ذخایر بـه بـازار تنزیـل اوراق بهـادار و خریـد دیـن خـود شاهدی بر عدم امکان توجیه فقهی پرداخت سود به سپرده است هر چند به عنـوان یـک قالـب جایگرین می توان به آن فکر کرد. اما دقت لازم است: در این صـورت مـا از موضـوع بـازار بـین بانکی ذخایر خارج شده ایم و سعی داریم به امکاناتی که بازار بین بانکی و سیستم کریدور بـرای مقام پولی فراهم می‌آورد در بازاری دیگر دست یابیم. اما مقصود این تحقیـق متفـاوت اسـت. بـا مثالی این مطلب واضح تر خواهد شد: اگر منافع حاصل از قیمت فروش سیب را در قـانون یـک کشور مورد سوال باشد، پاسخ مناسب این نیست که بگوئیم به جای سیب از هلو اسـتفاده شـود. بلکه با فرض عدم تغییر موضوع مبادله باید به سوال پاسخ گفت. لذا پاسخ مناسب، پاسـخ منفـی بود که در سطرهای گذشته به مشروعیت پرداخت سود به ذخایر بانک‌ها داده شد.

درباره‌ی عملیات بازار باز نیز تحقیقاتی در حوزه‌ی بانکداری اسلامی صورت گرفته است که به جای اوراق قرضه اوراق بهادار اسلامی نظیر صکوک اجـاره (میسـمی ۱۳۹۲)، اوراق استصـناع (نظرپور ۱۳۸۵) و گواهی های سـپرده مشـارکتی انتقـال پـذیر (موسـویان ۱۳۷۸) را پیشـنهاد کرده‌اند؛ به دلیل اینکه موضوع این تحقیـق نیسـتند، فقـط بـه طـرح عنـوان ارائـه شـده اکتفـا می‌کنیم، اما موضوعی که در این بخش به دلیل تاثیر مستقیم آن بر نرخ بازار بین بانکی و ایفای نقش آن به عنوان سقف قیمت بازار بین بانکی به طـور مبسـوط مـورد بررسـی قـرار مـی‌گیـرد

۱. و لا یحق للودعی التصرف فی الودیعه(ایروانی،۱۴۲۷ه.ق)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

قراردادهایی است که بانک مرکزی در قالب آن می‌تواند به بانک‌های تجاری اعطای تسهیلات از دریچه تنزیل داشته باشد.

۱-۲-۲. خرید دین مجدد

در بانکداری اسلامی بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، بانک‌ها می‌توانند هر نوع سند طلبی را که سر چشمه‌ی آن معاملات تجاری یا اسناد دین واقعی باشند، بخرند. این اسناد که به وسیله‌ی بانک‌ها از مشتریان خریداری شده، قابل تنزیل مجدد نزد بانک مرکزی است. این اسنادِ ناشی از تسهیلات بانکی، که نشانگر مطالبه‌ی بانک‌ها از مشتریان آنهاست، از طرف بانک مرکزی قابل خریداری است. به این ترتیب، بانکهای تجاری می‌توانند برای استفاده از منابع بانک مرکزی از تنزیل مجدد اسناد تجاری استفاده کرده و بانک مرکزی نیز می‌تواند با تغییر در نرخ تنزیل اسناد بانک‌ها و نیز نرخ تنزیل مجدد اسناد مشتریان در سطح تسهیلات اعطایی اثر بگذارد (نظرپور and حقیقی ۱۳۹۲: ۷۱).

۲-۲-۲. مضاربه

راهکار دوم توسط عمر شابرا (چپرا) معرفی شده است. او پیشنهاد می‌کند بانک‌های تجاری، در مواقع اضطراری از تسهیلات بانک مرکزی در قالب مضاربه استفاده کنند و منابع مالی بانک مرکزی به عنوان سرمایه‌ی مضاربه، مورد استفاده قرار گیرد (شابرا، محمد عمر ۱۴۰۴ ه.ق: ۲۶). این پیشنهاد از چند حیث، محل نقد و اشکال جدی است: مهمترین اشکال این است که این عقد برای بخش مهمی از مصارف بازار بین بانکی به هیچ وجه مناسب نیست. به این دلیل که مهمترین نیازی که دربازار بین بانکی وجود دارد پاسخگویی نقدی به برداشت سپرده‌ها است که با تجارت که عقد مضاربه، تامین مالی مشارکتی آن را به عهده دارد، ارتباطی ندارد.

در ثانی نرخ سود مضاربه در بازار و پس از اتمام فعالیت اقتصادی معلوم می‌شود و قابلیت سیاستی نرخ تنزیل از بین می‌رود (موسویان and امیرعلی ۱۳۹۱: ۱۳۴).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

جدول ۲: ارزیابی راهکار های پیشنهادی برای روابط بین بانک مرکزی و بانکهای تجاری

ارزیابی / قرارداد	فقهی	کارایی در تسهیلات قاعده مند برای		
		کسری ذخایر	اعطای تسهیلات	پرداخت سپرده‌ها
خرید دین مجدد	محل اختلاف	مناسب	مناسب	مناسب
مضاربه	مناسب	نامناسب	محدود به تجارت	نامناسب
فروش سهام بانک‌ها	مناسب	پر ریسک برای بانک مرکزی	پر ریسک برای بانک مرکزی	پر ریسک برای بانک مرکزی
مشارکت مجدد	مناسب	نامناسب برای وام‌های کوتاه مدت و از بین بردن نقدینگی ذخایر	نامناسب برای وام‌های کوتاه مدت و از بین بردن نقدینگی ذخایر	نامناسب برای وام‌های کوتاه مدت و از بین بردن نقدینگی ذخایر
مشارکت مدنی مشروط	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب

منبع: نویسنده

۳-۲-۲. فروش سهام بانک‌ها به بانک مرکزی

این راهکار توسط میرآخور و محسن خان پیشنهاد شده است. در این روش، بانک‌ها فقط می‌توانند بر مبنای مشارکت سهامی از بانک مرکزی تسهیلات بگیرند؛ یعنی بانک مرکزی برای تغییر اندوخته‌های خود، سهام بانک های تجاری را خرید و فروش می‌کند که از سوی دیگر، این امر منبع تامین مالی بانک‌های تجاری محسوب می‌شود (Khan and Mirakhor 1987: 190).

اشکالاتی به این راهکار وارد است: اولین اشکال این است که بانک مرکزی هیچ گاه ریسک اعتباری نمی‌پذیرد. به این دلیل که نوسان ترازنامه‌ی بانک مرکزی آثار اقتصادی کلان دارد و اگر به عنوان مثال بانک مرکزی به جای نگه‌داری اسناد خزانه دولتی که کمترین ریسک را دارد سهام شرکت پدیده را نگه دارد نوسانات ارزش سهام شرکت پدیده، مرتباً پایه پولی را تغییر می‌دهد و به این ترتیب بانک مرکزی نمی‌تواند مستقلاً اهدافش را دنبال کند. از سوی دیگر استقلال بانک مرکزی از نظام بانکی از بین می‌رود به این ترتیب که ورشکستگی بانک‌ها به ضرر بانک مرکزی خواهد شد و بانک مرکزی نمی‌تواند پس از خرید سهام یک بانک تجاری، با طیب خاطر نسبت به اعلام ورشکستگی آن بانک اقدام کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

شکل ۲: چارچوب‌های فقهی ارائه شده در روابط بازار بین بانکی

از آنجایی‌که نرخ بازده سهام، مانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بستگی به وضعیت کلی سوددهی بانک‌ها دارد و توسط بانک مرکزی تعیین نمی‌شود، هزینه استقراض از بانک مرکزی متغیر و غیر قابل سیاستگذاری می‌گردد.

۴-۲-۲. مشارکت مجدد

راهکار دیگر مشارکت مجدد نام دارد. بر این اساس، بانک‌های تجاری می‌توانند ذخایر قانونی خود را به عنوان سپرده در قالب مشارکت مدنی در بانک مرکزی سرمایه گذاری کنند و بانک

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مرکزی متناسب با عملکرد اقتصادی و درآمد کسب شده به این سپرده‌ها، سود پرداخت کند. از سوی دیگر بانک مرکزی منابع حاصل از این ذخایر را در قالب مشارکت مدنی و حقوقی در اختیار بانک‌های تجاری قرار داده و در سود آن‌ها شریک شود که به این عملیات، مشارکت مجدد می‌گوییم. نسبت تقسیم سود بین بانک‌های تجاری را شورای پول و اعتبار مشخص می‌کند (موسویان and امیرعلی ۱۳۹۱: ۱۳۸). اشکال اساسی این روش این است که ویژگی نقدبودن[1] ذخایر را از بین می‌برد و به غرض نگه داری ذخایر در نظام بانکداری با ذخایر جزئی توجهی ندارد. همچنین عدم تناسب این راهکار با تسهیلات قاعده مند بسیار کوتاه مدت به عنوان اشکال دیگری برای این راهکار قابل طرح است.

۵-۲-۲. مشارکت مدنی مشروط

این راهکار با قراردادی میان مدت(یکسال) آغاز می‌شود و در این قرارداد ذکر می‌شود که چنانچه بانک تجاری در طول قرار داد، در وضعیت بحرانی قرار گیرد و این وضعیت به تایید بانک مرکزی برسد، حداکثر به مبلغ تصویب شده در شورای پول و اعتبار و تعداد دفعات تصویب شده می‌تواند قراردادی کوتاه مدت(روزانه) برای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی (در قالب مشارکت مدنی مشروط) با بانک مرکزی منعقد کند[2].

هنگام قرارگرفتن بانک تجاری در وضعیت بحرانی و تقاضای تسهیلات از بانک مرکزی و موافقت بانک مرکزی برای استفاده از تسهیلات، بانک تجاری، یکی از دارایی‌های منضبط خود را در قالب عقد مشارکت مدنی، به ارزش دو برابر مبلغ تسهیلات بانک مرکزی، با بانک مرکزی به مشارکت می‌گذارد در ازای نصف مبلغ اموال از بانک مرکزی اعتبار دریافت می‌کند که در واقع ثمن اموال خود اوست. در چنین شرایطی بانک مرکزی شریک بانک تجاری در اموال می شود به نحو مشاع . البته این مبادله با دو شرط همراه است: اولاً چنانچه بانک تجاری تا مدت ذکر شده در قرارداد، نسبت به پرداخت ثمن اموال مورد مشارکت، اقدام کند، بانک مرکزی اموال مشاع را به بانک تجاری بازگرداند ثانیاً در دوره‌ای که بانک تجاری اموال خود را با بانک مرکزی به مشارکت نهاده است، بانک مرکزی سهم خود از اموال ذکر شده را در قالب عقد اجاره

1. Liquidity

۲ . مشارکت مدنی در این بخش به معنای شرکت غیر عقدی در فقه می باشد یعنی مالکیت به نحو مشاع. مشارکت مدنی به معنای شراکت به نحو مشاع در مال با یک شخص حقیقی یا حقوقی می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

در اختیار بانک تجاری قرار داده و اجاره دریافت کند. تعیین نرخ اجاره به اختیار بانک مرکزی است و به منزله یک نرخ سیاستی عمل می‌کند (موسویان and امیرعلی ۱۳۹۱: ۱۳۹).

۳-۲. چارچوب‌های مطرح شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا

همانگونه که در سطور پیشین نوشتار، یادآوری شد، قانون عملیات بانکی بدون ربا که در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی (۱۳۶۲) تصویب شد، به دلایل متعددی که ذکر آن‌ها در پیشبرد موضوع، مفید نیست، به بازار بین بانکی، بحث دخالت بانک مرکزی و به طور کلی به مسائل ناظر به بازار پول اشاره‌ای نکرده است. تنها در ذیل بخش پنجم- با عنوان مسائل متفرقه – یک جمله درباره ارتباط بانک‌های تجاری با بانک مرکزی گفته و بدین ترتیب بدون مشخص کردن چارچوب فقهی از کنار بازار بین بانکی عبور کرده است. عبارت ماده‌ی ۲۱ فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا این چنین است: "بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر، مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نمی‌باشند." بدین وصف قانون مصوبه‌ی اول قانون عملیات بانکی علی رغم اعلام ممنوعیت مبادلات ربوی در بازار بین بانکی چارچوب جایگزینی را معرفی نکرده است. در آیین نامه‌ی فصل پنجم این قانون که در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ تصویب شده،ضمن پیش‌بینی امکان افتتاح حساب بانک‌ها نزد بانک مرکزی، در ماده‌ی دو آمده است که: " بانک‌ها می‌توانند بخشی از منابع مورد نیاز بانک‌های دیگر را به ترتیب اولویت از محل منابع سپرده‌گذار و یا از محل منابع خود تأمین نمایند" (هیات وزیران ۱۳۶۲: ۱). همچنین در ماده سوم این قانون آمده که اگر بانکی از منابع سپرده گذار سایر بانکها را تامین مالی کند وجوه حاصله در قالب سرمایه‌گذاری‌هایی که در قانون عملیات بانکی مجاز دانسته شده است تعریف میشود. ماده چهارم نیز گفته "در مواردی که تأمین منابع توسط یک بانک برای بانک‌های دیگر به صورت وام یا اعتبار و نظایر آن از محل منابع خود بانک صورت گیرد، وجوه دریافتی‌توسط بانک گیرنده، جزو منابع بانک اخیر محسوب می‌گردد". بدین ترتیب آیین نامه روابط تجهیز نقدینگی بازار تسهیلات را برای بازار بین بانکی مجاز می‌داند ولی راجع به نحوه ارتباط بانک مرکزی با بانک‌ها و چارچوب فقهی مجاز آن، اشاره‌ای نکرده است.

برخلاف قانون پیشین، ماده ۶۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا مستقیماً به بازار بین بانکی پرداخته است. ذیل بخش ششم قانون در ماده ۶۱ آمده است که "بانک‌ها می‌توانند تحت اشراف بانک مرکزی و با استفاده از قراردادها و ابزارهای این قانون، مانند سپرده‌گذاری متقابل، خرید دین متقابل و مجدد، خرید و فروش صکوک و گواهی‌های سپرده و تشکیل صندوق‌های

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

سرمایه گذاری مشترک از منابع بانک مرکزی و سایر بانک‌ها در چهارچوب بازار بین بانکی استفاده کنند (مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۴: ۱۷).

قبل از بحث درباره‌ی راهکارهای فقهی قانون، باید اشاره کنیم که تعریف بازار بین بانکیِ مدنظر قانون، با تعریف این تحقیق از آن، متفاوت است. قانون مصوب ۹۴ در بخش تعاریف، بازار بین بانکی را تعریف نکرده است اما با ابزارهای پیشنهادی می‌توان گفت که تعریف بازار بین بانکی از منظر قانون، اعم از تعریفی است که این نگارش دارد و مترادف با بازار پول است در فصل سوم مشخص شد که بازار بین بانکی بخشی از بازار پول است که در آن ذخایر بانک‌ها مورد مبادله قرار می‌گیرد و مترادف با بازار ذخایر می‌باشد و هر بازاری که بانک‌های تجاری در آن به تامین نقدینگی می پردازند بازار بین بانکی نیست. گذشته از این موضوع، برخی از مسائل این ماده راهکار اجرایی و عملیاتی است نظیر تاسیس صندوق مشترک و سپرده‌گذاری متقابل که ارتباطی به راهکار فقهی ندارد؛ اما پیشنهاد فقهی این قانون در خصوص قراردادهای مناسب برای بازار ذخایر، عبارتست از: خرید دین متقابل و مجدد و نیز قراردادهای سرمایه‌گذاری[۱] که مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

۳. نقد چارچوب های پیشنهاد شده

غرض اصلی بخش سه ارائه راهکارهایی بود که بتواند با تضمین حقوق میان فردی در معاملات، بر مبنای شریعت متعالیه‌ی اسلام، منافعی که در بازار بین بانکی نصیب طرفین معامله می‌شود را مشروع سازد. با این هدف، متفکرین بانکداری اسلامی پیشنهاداتی برای روابط بانک‌ها با یکدیگر و با بانک مرکزی بر اساس عقود اسلامی مطرح کردند. به دلیل اقتضائاتی که بازار بین بانکی ذخایر دارد برخی از عقود برای مبادله در این بازار مناسب هستند و برخی مناسبت کمتری با این بازار دارند. در بخش ۰ راهکارها و همچنین اشکالات و انتقادات مربوط به هر راهکار، ارائه شد که خلاصه‌ی آن در جداول جدول ۱: ارزیابی راهکار های پیشنهادی برای روابط بین بانکی بانکهای تجاری جدول ۲: ارزیابی راهکار های پیشنهادی برای روابط بین بانک مرکزی و بانکهای تجاری قابل مشاهده است. این سنخ انتقادات مطرح شده که برآمده از ادبیات بانکداری اسلامی بود، چند اشکال و نقص اساسی دارد:

---

۱ . قانون قرارداد سرمایه گذاری خاصی مشخص نکرده است ولی تشکیل صندوق و اعطای تسهیلات به معنای نگه‌داری ذخایر در صندوق و اعطای تسهیلات با چارچوبهای سرمایه‌گذاری است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

ملاحظات مدیریتی و فقهی آن بر جنبه‌های اقتصادی غلبه دارد و همچنین در نگاه فقهی تنها بر حکم بخشی از فرآیند مبادله بین بانکی تمرکز شد و با غفلت از سایر اجزای این فرآیند در ارزیابی فقهی صورت گرفت. اساساً مبدا نیاز به بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی مورد بحث قرار نگرفته است و به سادگی از کنارش عبور شده است و به فروض اساسی و خطوط سفید بازار بین بانکی دقت نشده است و در یک کلام در یک نگاه بسیار ساده و سطحی نقد مطرح شده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله چارچوب‌هایی که در بانکداری اسلامی برای روابط بین بانک‌های تجاری با یکدیگر و با بانک مرکزی معرفی شده است، مطرح شد. ذیل هر بخش چارچوب‌های معرفی شده از دو حیث فقهی و کارایی برای بازار ذخایر، مورد بررسی قرار گرفت. در روابط بین بانک تجاری با یکدیگر، خرید دین و برای روابط بین بانک‌ها با بانک مرکزی، خرید دین مجدد و مشارکت مدنی مشروط، بهترین راهکار، معرفی شدند. در بخش بعد به طور کلی رویکرد بانکداری اسلامی در تحقیقات ناظر به بازار بین بانکی مورد نقد قرارگرفت. مفروضاتی که بانکداری اسلامی در بازار بین بانکی پذیرفته است عبارتند از جایز بودن خلق پول بیرونی و همچنین نظام ذخایر جزئی که باید در اقتصاد اسلامی مورد تحقیق قرار بگیرند. اگر خلق پول درونی و نظام ذخایر جزئی پذیرفته نباشد اساسا نیازی به بازار بین بانکی نخواهد بود. لذا در تحقیقات آتی بانکداری اسلامی باید به این دو موضوع دقت شود و مورد تحقیق قرار گیرد.

منابع

۱.اکبریان،رضا ؛ شیرازی،همایون 1389 .برنامه مرابحه کالایی؛ ابزاری نو برای مدیریت نقدینگی . جستارهای اقتصادی144 (13) .

۲.ایروانی، باقر(۱۴۲۷ق). دروس تمهیدیهٔ فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری .قم- ایران.

۳. .1362آیین‌نامه فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا.

۴.ثابت ,سیدعبدالحمید 1381 .موضوع شناسی بیع دین :فقه اهل بیت .فقه اهل بیت .(8)3 .138–208

۵.حسینی عاملی, محمدجواد بن محمد و محمدباقر خالصی .مفتاح الکرامهٔ فی شرح قواعد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

العلامۀ (طبع جدید .(قم :دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. خمینی، سید روح الله موسوی(۱۴۲۶ق). توضیح المسائل .تهران :وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. دژدار، محمد مهدی 1390 .طراحی ابزارهای مدیریت نقدینگی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی .کارشناسی ارشد ,دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. راغب أصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۱ق) .مفردات ألفاظ القرآن .بیروت :دار القلم- الدار الشامیۀ.
۹. شابرا، محمد عمر (۱۴۰۴ق) . النظام النقدی و المصرفی فی الاقتصاد الاسلامی .مجله ابحاث الاقتصاد الاسلامی.41–3 (2)1 .
۱۰. صدر، محمدباقر 1388 .بانک بدون ربا در اسلام :الگویی برای جایگزینی ربا و بررسی فعالیتهای بانکی در پرتو فقه اسلام .تهران :انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۱. طباطبایی، علامه سید محمدحسین 1374 .ترجمه المیزان :فی تفسیر القرآن .قم :دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طریحی، فخر الدین 1416 .مجمع البحرین .قم- ایران :کتابفروشی مرتضوی.
۱۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی(۱۴۱۲ق). الروضۀ البهیۀ فی شرح اللمعۀ الدمشقیۀ . قم- ایران.
۱۴. علامه حلی, حسن بن یوسف 1374 .مختلف الشیعۀ فی أحکام الشریعۀ .قم - ایران :جماعۀ المدرسین فی الحوزۀ العلمیۀ بقم، مؤسسۀ النشر الإسلامی.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد(۱۴۱۰ق). کتاب العین .قم- ایران :نشر هجرت.
۱۶. .قانون عملیات بانکی بدون ربا ۱۳۶۲، مجلس شورای اسلامی.
۱۷. .قانون عملیات بانکی بدون ربا ۱۳۹۴، مجلس شورای اسلامی.
۱۸. موسویان، سیدعباس 1378 .بررسی فقهی - اقتصادی ابزارهای جایگزین عملیات بازار باز و معرفی ابزاری جدید در بازار سرمایه .تازه های اقتصاد.52–45 .(84) .
۱۹. موسویان ,سیدعباس 1381 .آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره : اقتصاد اسلامی.86–59 (2)1 .
۲۰. موسویان ,سیدعباس و مهدی الهی .1389 .امکان سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی .اقتصاد اسلامی .118–89 (10)1 .
۲۱. موسویان ,سیدعباس و محمد امیرعلی 1391 .راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

بانک های تجاری در بانکداری اسلامی :اقتصاد اسلامی .اقتصاد اسلامی.152–123 .(12)2

۲۲. موسویان،سید عباس؛ الهی،مهدی 1389 .امکان سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی .اقتصاد اسلامی.118–89 (38) .

۲۳. میسمی ,حسین ,سیدعباس موسویان و کامران ندری 1392 .طراحی مدل های عملیاتی صکوک اجاره جهت انجام عملیات بازار باز .اقتصاد اسلامی .90–63 (13)3 .

۲۴. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن(۱۴۰۴ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام :دار إحیاء التراث العربی.

۲۵. نظرپور ,محمدنقی 1385 .عملیات بازار باز از طریق اوراق استصناع ; مشکلات و راه حل ها ::اقتصاد اسلامی .اقتصاد اسلامی.74–47 (6)2 .

۲۶. نظرپور ,محمدنقی و میثم حقیقی 1392 .نقش بانک مرکزی در اعمال سیاست پولی به وسیله بازار بین بانکی .اقتصاد اسلامی .84–59 (13)1 .

27. Choudhry, Moorad. 2005. *The money markets handbook: A practitioner's guide*. Singapore, Chichester: John Wiley & Sons (Asia).
28. Khan, Mohsin S. & Abbas Mirakhor. 1987. *Theoretical studies in Islamic banking and finance*. Houston, Tex. Institute for Research and Islamic Studies.
29. Mishkin, Frederic S. & Stanley G. Eakins. 1998. *Financial markets and institutions*. Reading, Mass: Addison-Wesley.
30. Robinson, Roland I. & Dwayne Wrightsman. 1980. *Financial markets: The accumulation and allocation of wealth*. New York: McGraw-Hill.
31. Rose, Peter S. 2000. *Money and capital markets: Financial institutions and instruments in a global marketplace*. Boston, Mass: Irwin McGraw-Hill.
32. Smith, Adam. 1981. *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations*. Indianapolis, Ind. Liberty Press.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]